گفت‌وگوی «جوان» با همسر شهید رسانه مقاومت محسن خزایی

می‌گفت مردم حق دارند بدانند چرا در سوریه هزینه می‌دهیم

شهید خزایی در حال تهیه گزارش در اطراف حلب

■ صغری خیل‌فرهنگ

مریم رخشانی همسر خبرنگار شهید حاج محسن خزایی یکی از سخنرانان نخستین یادواره شهدای رسانه محور مقاومت با عنوان «راویان مقاومت» بود. همایش شهدای رسانه مقاومت چندی پیش با حضور جمعی از خانواده شهدای رسانه‌های کشورهای محور مقاومت در سالن همایش‌های صدا و سیما برگزار شد. محسن خزایی برای تهیه اخبار و گزارش‌های میدانی در کنار مدافعان حرم حضور داشت و نهایتاً در آبان سال ۱۳۹۵ در حلب سوریه به شهادت رسید. او مجاهدت‌های زیادی در این مسیر نشان داد و بر این باور بود که مردم حق دارند بدانند ما برای چه در سوریه هزینه می‌دهیم؟ متن زیر ماحصل گفت‌وگوی ما با مریم رخشانی همسر شهید خزایی است که در حاشیه یادواره شهدای رسانه محور مقامت صورت گرفت.

■ **رسانه ملی وام‌دار شهدا**

تصویر شهید محسن خزایی را در میان کلیپ‌ها و تصاویر مربوط به شهدای رسانه مقاومت می‌بینیم. همان ابتدای برنامه وقتی پیمان جبلی رئیس رسانه ملی برای سخنرانی به بالای سن می‌رود، از شهید محسن خزایی یاد می‌کند و می‌گوید: در میان شهدای رسانه مقاومت باید از شهید حاج محسن خزایی یاد کنم که چند هفته قبل از شهادتش از او خواهش کردم بعد از مدت طولانی به دیدار خانواده‌اش برود اما ایشان از من اجازه گرفت تا مأموریتش چند هفته‌ای بیشتر باشد. نمی‌دانستم او چه می‌بیند و می‌اندیشد فکر کردم چند هفته‌ای علاقه دارد در جبهه بماند که هفته بعد با شنیدن خبر شهادتش حس کردم در حد و اندازه‌اش نبودم که حال او را درک کنم. شهدا چراغ راه ما هستند و رسانه ملی وام‌دار همه شهدا است.

■ **مدیر باشگاه خبرنگاران جوان!**

مریم رخشانی همسر شهید محسن خزایی می‌گوید: «ما اصالتاً سیستانی هستیم. پدر شهید ارتشی بود و هر چند سال یک بار در یکی از استان‌ها خدمت می‌کرد. محسن متولد اصفهان بود که در تاریخ ۲۲ آبان ماه سال ۱۳۹۵ در حالی که کارمند صدا و سیما بود به شهادت رسید.»

ایشان در ادامه به فعالیت‌های شهیدخزایی در عرصه خبر اشاره می‌کند و می‌گوید: محسن متصدی صدا بود و ابتدا در رادیو فعالیت می‌کرد. ایشان به خاطر فعالیت‌های گسترده‌شان در حوزه بسیج و ایثار و شهادت فرمانده پایگاه بسیج مقاومت صدا و سیما شد. بعد از آن هم در امور خبری فعالیت خودش را آغاز کرد. محسن چهار سال مدیر باشگاه خبرنگاران جوان شد و بعد از آن به گیلان منتقل شد و مدیرخبر شد. کمی بعد به اصفهان منتقل و از اصفهان راهی سوریه شد تا خادم حرمین باشد.

شروع کارش در دفتر نهاد رهبری بود. آنجا به عنوان مسئول امور اداری و فرهنگی فعالیت داشت و بعد در کنار آن کارهای خبری‌اش را هم انجام می‌داد. رابط شبکه خبر بود و دفتر شبکه خبر را در سوریه راه‌اندازی کردند و با صدا وسیما سوریه در ارتباط بودند. ایشان آنجا برنامه‌های زنده خبری اجرا می‌کردند و بعد از آن هم خبرنگار واحد مرکزی خبر شد.

■ **خدمت به اسلام**

همسر شهید در ادامه از نبودن‌های گاه و بیگاه شهید خزایی می‌گوید: «ما گله‌ای برای نبودن‌های ایشان نداشتیم. ما عشق و علاقه و میل قلبی ایشان را می‌دیدیم و با روحیات ایشان آشنا بودیم. ایشان دوست داشت فعال باشد. خدمت به اسلام از اولویت‌های ایشان بود. همیشه می‌گفت زندگی ما متعلق به خودمان نیست و متعلق به جهان اسلام است. باید برای اسلام فعالیت کنیم، برای اسلام روشنگری کنیم و واقعیات جنگ را به سمع و نظر مردم برسانیم. ما هم این را پذیرفته و با این موضوع کنار آمده بودیم. مانع کارشان نمی‌شدیم. این موضوع را برای خودمان حل کرده بودیم که باید روی پای خودمان بمانیم و کارهای‌مان را پیش ببریم. بنابر این در این زمینه هیچ مشکلی بین ما نبود. حتی خودمان هم مشتاق بودیم که اگر نیاز به کمک بود همراهی‌اش کنیم و همکارش شویم، تا به اهداف‌شان برسند.»

■ **شیفته فاطمیون**

مرور گزارش‌ها و مصاحبه‌های حاج محسن خزایی در میان بچه‌های لشکر فاطمیون ما را به این مطلب می‌رساند که ایشان ارادت زیادی به لشکر فاطمیون داشت. همسر شهید در این باره می‌گوید: این بسیار مشهود بود و به چشم می‌دیدیم که علاقه عجیبی بین ایشان و بچه‌های فاطمیون برقرار بود. محسن می‌گفت: «بچه‌های لشکر فاطمیون خالصانه و از دل و جان برای دفاع از حرم عمه‌سادات آمده‌اند. اینها از عمق وجود برای اهل‌بیت(ع) می‌سوزند و هر آنچه در توان دارند برای دفاع از اسلام و دفاع از حرم هزینه می‌کنند.» محسن ارادت زیادی به فاطمیون داشت. شهید محسن خزایی همیشه از رشادت‌ها و مظلومیت‌های فاطمیون می‌گفت. برای خانواده‌های شهدای فاطمیون خیلی احترام قائل بود و به دیدار خانواده‌های شهدای فاطمیون می‌رفت.

حتی همسرم وصیت کرده بود که اگر توفیق شهادت نصیب‌شان شد ایشان را در میان شهدای لشکر فاطمیون تدفین کنند. این افتخار نصیب ما نشد که بتوانیم وصیت ایشان را انجام دهیم و شهیدمان را در گلزار شهدای زاهدان به خاک سپردیم.

■ **رسانه‌ای از جنس آگاهی**

همسرشهید رسانه مقاومت درباره محاسن برگزاری اولین یادواره شهدای رسانه مقاومت می‌گوید آنچه موجب بقای جامعه اسلامی است رسانه‌ای از جنس آگاهی است که برگرفته از فرهنگ عاشورایی است که باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشیم. مسئولان وظیفه مهمی در معرفی فرهنگ شهادت و مقاومت دارند تا از دسیسه‌های دشمنان در امان بمانیم.

برگزاری چنین یادوارهایی کمک می‌کند که بر مجاهدت‌ها و تلاش‌های این عزیزان بیشتر تأمل شود. همچنین حضور خانواده شهدای رسانه مقاومت از ملیت‌های مختلف خود در کنار هم باعث اتحاد امت اسلامی می‌شود و این رابطه‌ها را مستحکم‌تر می‌کند و بدان معناست که اسلام مرز ندارد و همه مسلمانان برادر یکدیگر و اعضای یک خانواده هستند. اینگونه یاد و خاطره شهدا زنده می‌ماند و ما می‌توانیم اهداف عالیه شهدا را هدف قرار داده و در مسیر آنها حرکت کنیم.

حضور در این جمع بهانه‌ای می‌شود تا به عمل و رفتار خودمان نگاه کنیم که کجا هستیم، چه می‌کنیم و آیا مسیر ما در مسیر شهداست یا نه؟! این برنامه برای من با ارزش بود. این یادواره بهانه‌ای شد تا روشنگری کنیم و واقعیات جنگ را به سمع و نظر مردم برسانیم. ما هم این را پذیرفته و با این موضوع کنار آمده بودیم. مانع کارشان نمی‌شدیم. این موضوع را برای خودمان حل کرده بودیم که باید روی پای خودمان بمانیم و کارهای‌مان را پیش ببریم. بنابر این در این زمینه هیچ مشکلی بین ما نبود. حتی خودمان هم مشتاق بودیم که اگر نیاز به کمک بود همراهی‌اش کنیم و همکارش شویم، تا به اهداف‌شان برسند.»

شهید خزایی و دستیارش

> **به وقت دلتنگی‌ها، دخترمان گفت از خانم زینب(س) مدد و صبر بخواه. به یاد بیاور آن زمانی که حضرت رقیه(س) در واقعه عاشورا در کربلا برای دیدار پدر بی‌قراری می‌کرد خانم رباب و حضرت زینب(س) چگونه ایشان را آرام می‌کردند و دلداری می‌دادند**

> **خدمت به اسلام از اولویت‌های ایشان بود. همیشه می‌گفت زندگی ما متعلق به خودمان نیست و متعلق به جهان اسلام است. باید برای اسلام فعالیت کنیم، برای اسلام روشنگری کنیم و واقعیات جنگ را به سمع و نظر مردم برسانیم. ما هم این را پذیرفته و با این موضوع کنار آمده بودیم. مانع کارشان نمی‌شدیم. این موضوع را برای خودمان حل کرده بودیم که باید روی پای خودمان بمانیم و کارهای‌مان را پیش ببریم.**

همه خانواده شهدای رسانه مقاومت چند روزی را در کنار هم تجربه کنند.

■ **آخرین پیام شهادت**

همسر شهید در ادامه می‌گوید: عرصه خبر و اطلاع‌رسانی عرصه‌ای است که باعث آگاهی‌بخشی و تنویر افکار عمومی در خصوص مدافعان حرم می‌شود، ایشان معتقد بود وقتی خانواده شهدای مدافع حرم تصویر یا مستندی از شهیدشان یا حتی تصویری از پیروزی‌های نیروهای جبهه مقاومت اسلامی را مشاهده می‌کنند، باعث شادی‌شان می‌شود. می‌بینند که خون شهیدشان باعث فتح و نصر شده است. می‌بینند که راه شهیدشان ادامه دارد. همسرم در کار خبری همیشه تلاشش این بود که حق مطلب را ادا کند و بگوید چرا مدافعین حرم در مناطق عملیاتی سوریه حاضر می‌شوند؟ اعتقاد شهید خزایی بر این بود که حق مردم است بدانند ما برای چه در سوریه هزینه می‌دهیم. شهید خزایی به استناد صحبت‌های امام خمینی(ره) که اسرائیل را غده سرطانی می‌نامید، اعتقاد داشت که باید برای نابودی اسرائیل گام برداریم. شهید معتقد بود اگر ما مرز استراتژیک خود را در عراق و سوریه و لبنان نمی‌بستیم امروز باید در کوچه‌ها و محله‌های خودمان با تکفیری‌ها مواجه می‌شدیم. در نهایت هم خوش به سعادتش بهای مجاهدت‌هایش را گرفت و بهشتی شد و آخرین پیامش را با شهادتش مخابره کرد.

■ **خبرنگار شهید محسن ذوالفقاری**

حاج‌محسن در میان سرکشی به خانواده شهدا از آنها می‌خواست که برای شهادت‌شان دعا کنند. همیشه یاد شهدا بود. یاد شهدایی چون حاج قاسم میرحسینی قائم مقام لشکر ۴۱ ثارالله سیستان وبلوچستان. یاد شهید محسن ذوالفقاری خبرنگار و همکارش که در حادثه تاسوکی به خیل شهدا پیوست. یاد دوستان شهید و همرزمان شهیدش در سوریه.

■ **جلوه‌های زیبای مقاومت**

همسر شهید در ادامه خاطره‌ای روایت می‌کند و می‌گوید: ماحصل زندگی من و محسن چهار فرزند بود که یکی از فرزندانم چند روز بعد از تولدش به رحمت خدا رفت. من سه یادگار از ایشان دارم دو پسر و یک دختر. محسن همیشه به بچه‌ها توصیه می‌کرد که در هر زمینه‌ای بهترین باشیم چون ولایت سرباز نخبه نیاز دارد. می‌گفت تک‌تک این سختی‌ها در راه خدا ثواب دارد. من می‌دانستم که محسن هدف والایی داشت و آن هم این بود که تلاش می‌کرد جلوه‌های زیبای مقاومت را به جهانیان بشناساند. حس مسئولیت زیادی در این زمینه داشت و روی این موضوع بسیار سماجت داشت. پای کار بود و به هیچ عنوان حاضر نبود که کارش را رها کند و برگردد. بارها شده بود که به ایشان گفته بودند که مأموریت شما تمام شده و باید برگردید، اما ایشان نپذیرفته و گفته بود که اگر لازم باشد، مرخصی بدون حقوق می‌گیرم و می‌مانم و سلاح به دست می‌گیرم.

محسن حتی برای جذب نیرو جبهه مقاومت هم فعالیت می‌کرد و ثبت نام انجام می‌داد. من این را به چشم می‌دیدم. حتی زمانی که در مرخصی بود از کار دست نمی‌کشید و مرتب جلسات روشنگری برگزار می‌کرد. گاهی بیرق حرمین را می‌آورد تا کسانی که نمی‌توانند به زیارت بروند آن را تبرک کنند.

■ **مدد از اهل‌بیت (ع) به وقت دلتنگی**

گاهی پیش می‌آمد که دخترمان بی‌قرار و دلتنگ پدرش می‌شد، با محسن تماس می‌گرفتم و می‌گفتم به خاطر دخترمان یا شما بیایید یا شرایطی را فراهم کنید ما بیاییم پیش شما! آنقدر دغدغه حرم و مسئولیتی که به گردنش بود را داشت که به من می‌گفت صبوری کنید و خودتان را جای همسران و خانواده شهدا بگذارید. ببینید چگونه صبوری می‌کنند! همسران شهدا چگونه بچه‌های دلتنگ را آرام می‌کنند! از آنها الگو بگیر و از خانم زینب(س) مدد و صبر بخواه.

به یاد بیاور آن زمانی که حضرت رقیه(س) در واقعه عاشورا در کربلا برای دیدار پدر بی‌قراری می‌کرد خانم رباب و حضرت زینب(س) چگونه ایشان را آرام می‌کردند و دلداری می‌دادند. از آنها مدد بخواه. به من می‌گفت خانم! برای زینبی شدن این رنج‌ها و سختی‌ها را باید تحمل کنی تا به آن مرحله برسی.

وقتی به خانه می‌آمد هم بی‌قراری می‌کرد. شب‌ها در خانه راه می‌رفت. می‌گفتم چرا اینطوری؟ می‌گفت آرامش و طاقت ندارم. باید زودتر برگردم من نمی‌توانم تحمل کنم. دوست دارم برگردم کنار حرم. برای بازگشت به سوریه و همراهی با مدافعان حرم لحظه شماری می‌کرد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۷۲۱

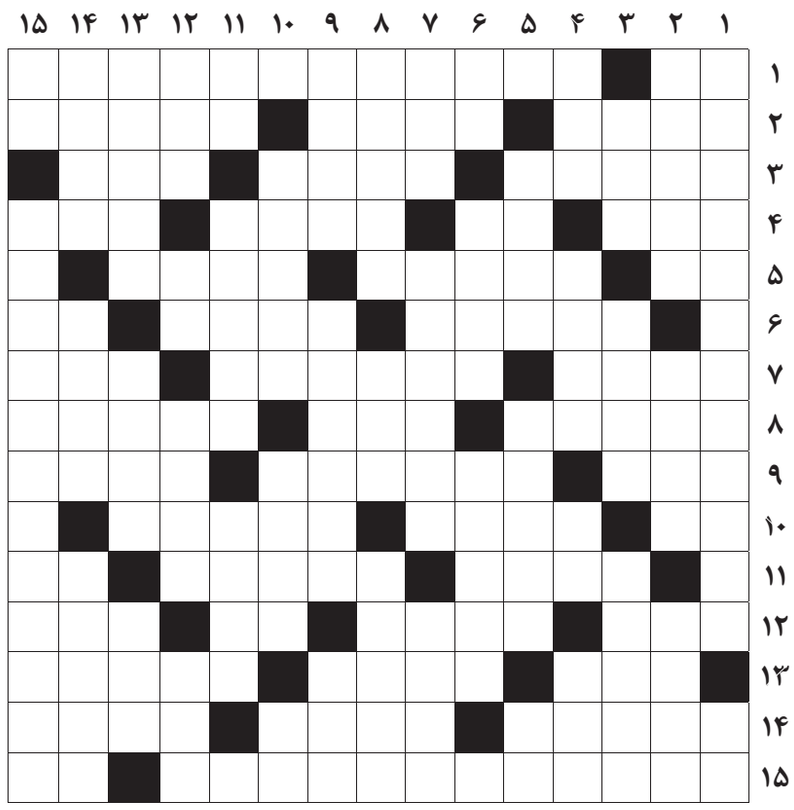

از راست به چپ

■ ۱- گل منجمد- فرشتگان موکل بر ضبط و ثبت اعمال خیر و شر انسان ■ ۲- بلندترین آبشار دنیا- کشیش- سازمان جاسوسی اسرائیل ■ ۳- ایوانش را شاعر آیینه عبرت دانسته است- شیرینی شاخه‌ای- سال گذشته ■ ۴- برف آذری- افزودن انگلیسی- درختی با برگ‌هایی مانند پنجهٔ انسان- مسمار ■ ۵- هرگز عرب- واحد اندازه گیری صدا- از ماهی‌های خلیج فارس ■ ۶- مهنا- انتشار بی رویه اسکناس بدون تناسب با پشتوانه- پسوند شباهت ■ ۷- نام دیگر سوره سبحان- چه خوب است که قبل از ورود به سال نو دل‌هایمان را از آنها شست و شو دهیم- سرمایه بدن ■ ۸- از شهرهای استان فارس- بزرگ ترین فرزند نوح- پدال سوار کار ■ ۹- صندوق پس انداز کودک- سفره نوروزی- داروی زخم ■ ۱۰- طایفه کریمخان- بلاها- بی خبر ■ ۱۱- باوقار- جاذبه سیاحتی کشور فراعنه- آش ■ ۱۲- واحد شمارش مغازه- گریه و ناله- عضو بالانشین- چراغ آسمان ■ ۱۳- سخن تب‌آلود- آرم و نشان تجاری- رودی در استان فارس ■ ۱۴- غذا و طعام- سلامتی می‌آورد- ژاپن قدیم ■ ۱۵- غذای شب عید- پول ژاپن

از بالا به پایین

■ ۱- سرآغاز دعای معروف تحویل سال نو که زمزمه آن آرامش بخش دل‌هاست- خاشاک ■ ۲- پسته مرغوب- رهرو- پیامبر صبور ■ ۳- الـ... ثم الدار- از خانواده خربزه- جنگجو ■ ۴- بوکسور سابق مسلمان امریکایی- نوعی کوره پخت نان- صنم- لوله تنفسی ■ ۵- سازمان هوافضای امریکا- دالان- ظرف سرکه ■ ۶- یک و یک- ستون دروازه- بازی نهایی ■ ۷- سالمند- لازم و ضروری- نویسنده فرانسوی قرارداد اجتماعی ■ ۸- شانس و بخت- مردم قرآنی- کلبه اسکیمو ■ ۹- پارچه‌ای که گرد چیزی بپیچند- همسر رستم- قرض بانکی ■ ۱۰- هر یک از دو استخوان بالای سینه- کال – ضمیر اجتماعی ■ ۱۱- مخفف هستم- پافشاری کردن- محافظ شخصی ■ ۱۲- وسیله بازی و جنگی- پایه و بنیاد- از شاعران آذربایجان که به سبک سعدی شعر می گفت- زمان زودگذر ■ ۱۳- حرکت و رفت و آمد متوالی- نام قدیم خمین- درس خوانده ■ ۱۴- دستی که باید به سوی نیازمندان دراز شود- مقابل آفتاب- برادران شهید سرافراز لشکر ۳۱ عاشورا ■ ۱۵- چوب خوشبو- از سلسله های حکومتی در ایران که با حمله چنگیز مغول منقرض شد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱					۳
۲					۴			۱
۸					۵			۷
	۴			۶		۲		
	۵			۱		۸	۶	
	۷			۸				
		۹					۴	
		۵					۱	
			۶		۸		۵	

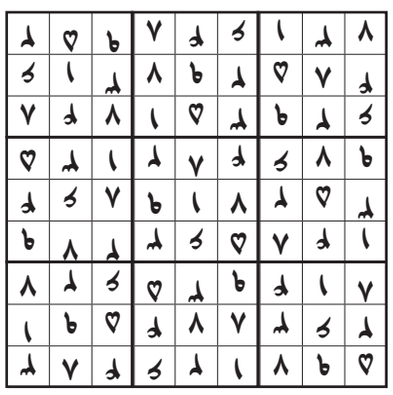

جدول کلمات متقاطع
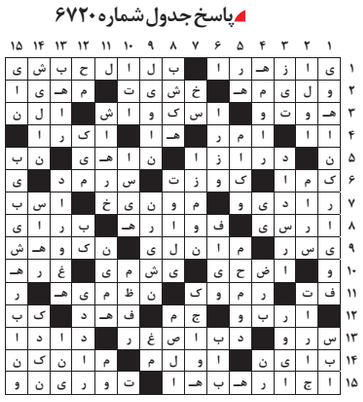
پاسخ جدول شماره ۶۷۲۰